

پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی مکرر

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۸

تاریخ تأیید: ۹۱/۴/۶

سید محمود میر خلیلی*
جواد رجبی**

چکیده

۱۶۷

حقوق اسلامی / سال نهم / شماره ۳۴ / پاییز ۱۳۹۱

برخی افراد ممکن است به صورت مکرر، آماج جرم قرار گیرند و بزه‌دیدگی را تجربه کنند، در حالی که دیگران چنین سرنوشتی را نداشته یا نهایت یک بار بزه‌دیدگی را تجربه می‌کنند. بزه‌دیدگی مکرر به بزه‌دیدگی مجدد اشخاص، مکان‌ها و آماج‌هایی که پیش‌تر هدف جرم قرار گرفته‌اند، اشاره دارد. از جمله عوامل بزه‌دیدگی مکرر می‌توان به عدم اعلام بزه‌دیدگی از سوی بزه‌دیده و در نهایت، بی‌کیفر ماندن بزه‌کار، وجود رابطه آشنایی میان بزه‌کار و بزه‌دیده، سهولت تکرار جرم علیه بزه‌دیده، عوامل قضایی و فقدان حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر اشاره کرد. مقاله درصدد است تا تبیین کند که چگونه می‌توان با عوامل بزه‌دیدگی مکرر مقابله کرده، از آن پیشگیری کرد؟ در کنار آموزه‌های غیر کیفری اسلام از جمله الزام به رعایت احتیاط در معاملات، ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری در جامعه و ترویج فرهنگ صبر، حلم و مدارا، استفاده از تدابیر مبتنی بر کیفر مانند جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدگی و عدم کمک به بزه‌دیده، حمایت کیفری ساده و افتراقی، پیش‌بینی حق دفاع مشروع و سلب مسئولیت کیفری و مدنی و...، از جمله راه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر است که با استفاده از آنها می‌توان احتمال بزه‌دیدگی مکرر را کاهش داد.

واژگان کلیدی: پیشگیری کیفری، بزه‌کاری، بزه‌دیدگی، سیاست جنایی اسلام.

* استادیار پردیس قم دانشگاه تهران / نویسنده مسئول (mirkhalili@ut.ac.ir).

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس قم دانشگاه تهران.

(javadrabjalman@yahoo.com).

مقدمه

زمان پیدایش جرم‌شناسی علمی؛ یعنی زمان انتشار کتاب **انسان بزه‌کار** اثر **سزار لمبرزو**، بزه‌دیده در نظام جزایی جایگاهی نداشت و عموماً به فراموشی سپرده شده بود. در این دوران، کانون عمده مباحث جرم‌شناسی، مسئله بزه‌کاری و پیشگیری از آن بود.

نخستین بار در سال ۱۹۴۸م بود که بزه‌دیده و نقش او در تکوین جرایم، شناسایی شد و دانش بزه‌دیده‌شناسی به صورت علمی وارد ادبیات جرم‌شناسی گردید. از این رو، با پیدایش این دانش جدید، مسئله پیشگیری از بزه‌دیدگی با کانون توجه قراردادن بزه‌دیده مطرح گردید. همان‌گونه که پیشگیری از بزه‌کاری در یک مفهوم موسع به پیشگیری کیفری و پیشگیری غیرکیفری تقسیم می‌شود، پیشگیری از بزه‌دیدگی را نیز می‌توان به پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم کرد. همان‌گونه که اشاره شد، رویکرد سیاست جنایی اسلام و سیاست جنایی ایران، رویکردی غالباً غیرکیفری است و در این نوع سیاست جنایی، رویکرد کیفری کمتر دیده می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد در کنار آموزه‌های غالباً غیرکیفری اسلام در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی، راهکارهای کیفری نیز مورد توجه قرار گیرد. پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی به عنوان تدابیر کیفری و قهرآمیز، به مواردی مربوط است که قانونگذار با توجه به آسیب‌پذیری برخی افراد، سیاست جنایی تقنینی ویژه و افتراقی را در نظر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، رفتاری را که علیه اشخاص عادی جرم نیست، علیه اشخاص آسیب‌پذیر جرم‌انگاری می‌کند یا اگر رفتار جرم‌انگاری گردیده، این رفتار اگر علیه افراد آسیب‌پذیر باشد، مجازات آن تشدید می‌شود و از این راه از بزه‌دیدگی افراد جلوگیری می‌کند.

در کنار به‌کارگیری تدابیر مناسب در جهت پیشگیری از «بزه‌دیدگی اولیه» (Primary Victimization)، پیشگیری از «بزه‌دیدگی مکرر» (Repeated Victimization) نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و آن این است که با توجه به اینکه کمترین افراد، بیشترین بزه‌دیدگی‌ها را تجربه می‌کنند (Lynn, 2002, p.2)، با

پیشگیری از پدیده تکرار بزه‌دیدی و کاهش آن می‌توان به کاهش درصد زیادی از بزهکاری‌ها و نیز بزه‌دیدی‌ها امیدوار بود.

در سیاست جنایی اسلام، لزوم پرهیز از بزه‌پوشی در جرایمی که دارای جنبه خصوصی‌اند و در نتیجه جرم‌انگاری و مجازات عدم گزارش و اعلام بزه‌دیدی، جرم‌انگاری و مجازات عدم کمک به بزه‌دیده و حمایت کیفری از بزه‌دیدگان، از جمله اقدامات و تدابیر کیفری است که در جهت پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر به کار گرفته شده است، سیاست جنایی ایران نیز اگرچه در مواردی به مسئله پیشگیری از بزه‌دیدی توجه داشته، در قوانین ایران راهکارهایی در این باره دیده می‌شود؛ ولی این تمهیدات کافی نبوده، به‌کارگیری سیاستی سنجیده و معقول در این حوزه احساس می‌شود.

بر این اساس، همان‌گونه که پیشگیری از بزه‌دیدی اولیه باید مورد توجه متولیان پیشگیری و سیاست‌گذاران جنایی قرار گیرد، توجه و اهتمام ویژه نسبت به مسئله کاهش بزه‌دیدی مکرر، به عنوان یک ضرورت در جهت کنترل و کاهش درصد زیادی از بزهکاری‌ها و بزه‌دیدی‌ها، بیش از پیش احساس می‌شود. به عبارت دیگر، درباره تکرار جرم، سیاست جرم‌شناسان و قانونگذاران، اصلاح و درمان بزهکاران می‌باشد و بدین منظور از تدابیر و اقدامات تأمینی و یا بعضاً تدابیر کیفری استفاده می‌کنند. بزه‌دیده‌شناسان درباره بزه‌دیدگان نیز درمان و اصلاح آنان و به طور کلی پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر را توصیه می‌کنند؛ بنابراین پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر یکی از مباحث عمده دانش بزه‌دیده‌شناسی است و از این جهت باید مورد توجه بزه‌دیده‌شناسان به طور اعم و متولیان پیشگیری از بزه‌دیدی به صورت خاص قرار گیرد. پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر به پیشگیری کیفری و غیرکیفری قابل تقسیم است. در این پژوهش، تدابیر مبتنی بر کیفر راجع به پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر، ذیل عنوان جرم‌انگاری عدم گزارش و اعلام بزه‌دیدی، جرم‌انگاری عدم کمک به بزه‌دیده و حمایت کیفری از بزه‌دیدگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش از آنکه راه‌های پیشگیری کیفری از بزه‌دیدی مکرر مورد بررسی قرار گیرد، مفهوم بزه‌دیدی مکرر مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، با دقت در متون اسلامی درمی‌یابیم که تدابیر پیشگیری وضعی ناظر به بزه‌دیده، مورد تأکید شارع مقدس

اسلام بوده، در این جهت توجه به بزهدیده به عنوان آماج حملات مجرمانه اهمیت بسیاری دارد. از سویی ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری و از سوی دیگر، تمهیدات پیش‌بینی‌شده برای بزهدیدگان بالقوه در دفاع از جان، مال و ناموس خود یا دیگران و وجوب این امر، شواهدی است که این مسئله می‌تواند اهتمام سیاست جنایی اسلام را به مسئله پیشگیری از بزهدیدگی نشان دهد؛ بنابراین می‌توان گفت در کنار سیاست جنایی ایران، سیاست جنایی اسلام نیز به مسئله پیشگیری از بزهدیدگی توجه کرده است که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۱. مفهوم بزهدیدگی مکرر

با توجه به اینکه مفهوم «بزهدیدگی» (Victimization) با مفهوم «بزهدیده» (Victim) مرتبط است، در بیان مفهوم بزهدیدگی و نیز «بزهدیدگی مکرر» باید به مفهوم «بزهدیده» توجه داشت. در نوشتگان پارسی، مفهوم لغوی «بزهدیده» در هیچ‌یک از فرهنگ‌های معروف فارسی نیامده است؛ ولی با توجه به معنای لغوی «بزه»، «بزهدیده» در لغت به معنای شخصی است که از بزه و جرم آسیب و لطمه دیده باشد (دهخدا، ۱۳۴۶، ص ۴۰۹۳). اگر «بزهدیده» در لغت به معنای شخصی که از بزه و جرم آسیب و لطمه دیده است و بدین خاطر مورد درد و رنج جسمی، روحی، روانی و یا ضرر و زیان مالی قرار گرفته باشد، بزهدیدگی به معنای عملی است که با قراردادن [اغلب ناخواسته و غیرارادی] افراد در وضعیت دشوار و نامناسب، آنها را دچار درد و رنج، از جمله درد و رنج جسمی، روانی، روحی و عاطفی و نیز خسارات مالی می‌کند. همچنین، مفهوم بزهدیدگی، به وضعیت کسی اشاره دارد که بر اثر صدمات جسمانی، روحی، روانی و یا ضرر و زیان مالی دچار آسیب و خسارت شده است. به طور کلی بزهدیدگی به «مورد سوء رفتار و بی‌توجهی واقع شدن» تعبیر شده است (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۶). علاوه بر اینکه فرهنگ لغت «وبستر» (Webster)، مفهوم واژه «Victimization» را حالت قربانی شدن یا عمل قربانی کردن دانسته است (توجهی، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

با توجه به اینکه برخی افراد ممکن است به صورت مکرر آماج جرم قرار گیرند

و بزه‌دیدی را تجربه کنند، در حالی که دیگران چنین سرنوشتی را نداشته یا نهایت یک بار بزه‌دیدی را تجربه می‌کنند، بزه‌دیدی را با توجه به دفعات تکرار می‌توان به «بزه‌دیدی اولیه» و «بزه‌دیدی مکرر» تقسیم کرد. کن پيس (Can Pies) و گراهام فارل (Graham Farl) در یکی از نشریات وزارت دادگستری، طی مقاله‌ای با عنوان «گزیده‌شده دوباره گزیده می‌شود» (Once Bitten Twice Bitten)، این حقیقت را به طور مستند و دقیق به اثبات رسانده‌اند. آنها با استفاده از یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند فقط چهار درصد شهروندان، حدود چهل درصد از کل بزه‌دیدی‌ها را تجربه کرده‌اند (کلارک، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲)؛ بنابراین همان‌گونه در مورد بزهکاری، با توجه به اینکه درصد کمی از افراد بیشترین درصد بزهکاری را مرتکب می‌شوند و در نتیجه مسئله تکرار جرم مطرح می‌باشد، درباره بزه‌دیدی نیز با توجه به اینکه درصد کمی از افراد بیشترین بزه‌دیدی را تجربه می‌کنند، می‌توان از «بزه‌دیدی مکرر» یا «تکرار بزه‌دیدی» صحبت کرد. معنای کلی و عمومی «بزه‌دیدی مکرر» این است که اشخاص، مکان‌ها و آماج‌هایی که مورد بزه‌دیدی قرار گرفتند، مجدداً مورد بزه‌دیدی قرار گیرند (Graham and Pease, 2007, p.161)؛ از جمله نمونه‌های روشن «بزه‌دیدی مکرر»، می‌توان به پدیده خشونت خانگی از سوی شوهر علیه زن، خشونت خانگی علیه کودکان از سوی والدین و خشونت خانگی علیه سالمندان اشاره کرد؛ پس در پدیده‌های «کودک‌آزاری» (Child Abuse)، «همسرآزاری» (Spousal Abuse) و نیز «سالمندآزاری» (Older Abuse)، با توجه به اینکه در دفعات گوناگون بزه‌دیدی، اغلب بزهکار و بزه‌دیده یکی است، در این حالت بزه‌دیدی و تکرار آن فرایندی متوالی و به هم پیوسته می‌باشد که به دنبال مجموعه‌ای از رفتارهای مرتبط ارتکاب یافته است و مفهوم و معنای بزه‌دیدی مکرر صدق می‌کند. پیشگیری کیفری از بزه‌دیدی مکرر نیز به معنای به‌کارگیری تدابیر و اقدامات مبتنی بر کیفر خواهد بود که از این راه با مورد توجه قراردادن بزه‌دیده، می‌توان از بزه‌دیده‌شدن مجدد وی جلوگیری کرد. در ادامه روش پیشگیری کیفری از «بزه‌دیدی مکرر» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدگی

از جمله عوامل بزه‌دیدگی مکرر، می‌توان به عدم گزارش بزه‌دیدگی و در نهایت عدم تعقیب و مجازات بزه‌کار اشاره کرد. اعلام بزه‌دیدگی و تعقیب بزه‌کار، در بردارنده این پیام مهم برای بزه‌کار و سایر افراد جامعه است که ارتکاب جرم علیه دیگران بدون پاسخ نمی‌ماند و واکنش جامعه را به دنبال دارد. از این رو، اگر شخصی بزه‌دیده واقع شود و اقدام به گزارش بزه‌دیدگی خود نکند، این تصور ایجاد می‌شود که ارتکاب جرم علیه بزه‌دیده، گزارش بزه‌دیدگی را به همراه ندارد؛ بنابراین این امر ممکن است باعث تخریب بزه‌کار یا سایر افراد در تکرار جرم علیه بزه‌دیده شود. از سوی دیگر، در رابطه با کارکرد ضمانت اجرای کیفری این‌گونه بیان شده است:

اصلاح و درمان بزه‌کار، از جمله کارکردهای فایده‌گرای ضمانت اجرای کیفری محسوب می‌شود که در واقع پس از تولد جرم‌شناسی و گسترش مطالعات و یافته‌های آن مورد توجه نظام کیفری قرار گرفت (بولک، ۱۳۸۵، ص ۸).

بر این اساس، با توجه به اینکه اغلب بزه‌دیده و شاکی خصوصی، پرونده کیفری را به جریان می‌اندازد، عدم گزارش بزه‌دیدگی از سوی بزه‌دیده و عدم شکایت از سوی او، بزه‌کار را بدون اصلاح، درمان و «بازپروری» (Rehabilitation) رها کرده، این امر در ارتکاب مجدد جرم از سوی بزه‌کار و در نتیجه بزه‌دیدگی مجدد بزه‌دیده مؤثر می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت ریشه بسیاری از بزه‌دیدگی‌های مکرر، عدم اعلام و گزارش بزه‌دیدگی و به طور کلی بی‌کیفرماندن بزه‌کار و تخریب اوست. متأسفانه در ایران نیز بیش از شصت درصد قربانیان، بزه‌دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند (توجهی، ۱۳۷۸، ص ۷۱)؛ به همین دلیل، به‌کارگیری تدابیر مناسب به منظور فراهم کردن زمینه‌های گزارش بزه‌دیدگی، گام مهمی در تعقیب و مجازات بزه‌کار بوده، این امر می‌تواند در کاهش تکرار جرم و در نهایت کاهش تکرار بزه‌دیدگی مؤثر باشد.

مکرر در آیات و روایات ملاحظه می‌کنیم که ستم‌پذیری و قبول بزه‌دیدگی یا عدم گزارش بزه‌دیدگی، همانند بزه‌کاری تقبیح و مورد مذمت قرار گرفته است. در قرآن کریم پس از مذمت و تقبیح شدید جرایم ربادادن و رباگرفتن، تأکید می‌کند که ستمگری و ستم‌پذیری هیچ‌کدام مورد قبول نیست: «... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹).

یکی دیگر از مواردی که به ضرورت گزارش بزه‌دیدی اشاره دارد، لزوم پرهیز از بزه‌پوشی در جرایمی است که دارای جنبه خصوصی می‌باشد. در سیاست جنایی اسلام این موضوع مورد توجه ویژه بوده، ضمن تأکید بر بزه‌پوشی و درآ حدود به شبهات در حق‌الله، به عکس در همه جرایمی که در زمره حقوق‌الناس قرار دارند، اصولاً نخستین و مهم‌ترین نقش در تحریک فرایند کیفری بر عهده بزه‌دیده گذاشته شده است؛ به گونه‌ای که اگر تعقیب مجرم به دلیل عدم احراز عناوین دیگری جز جرم ارتكابی بر مجنی‌علیه ناممکن باشد و منحصر به جرم ارتكابی علیه مجنی‌علیه باشد، اقدامات دستگاه کیفری باید بر قلمرو تدابیر پیشگیری و اقدامات تربیتی نیز متمرکز گردد.

علاوه بر این، از جمله تدابیری که زمینه گزارش‌دهی هرچه بیشتر بزه‌دیدی از سوی بزه‌دیده و دیگران را فراهم می‌کند، تدابیر مبتنی بر کیفر است. بدین ترتیب با جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدی می‌توان مشکل بزه‌دیدی‌های گزارش‌نشده را تا اندازه‌ای حل کرد و از این راه از پدیده «تکرار بزه‌دیدی» جلوگیری کرد؛ با این توضیح که از جمله اهداف مجازات‌ها، پیشگیری عام و پیشگیری خاص (پیشگیری از تکرار جرم) می‌باشد. قانونگذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه‌های شریرانه منصرف کند، با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد. علاوه بر پیشگیری عام، با پیشگیری خاص انتظار این است که بزهکار با تحمل سختی و رنج مجازات، از کرده خود پشیمان شود و از اعمال گذشته خود دست بکشد (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹). از این رو، گزارش بزه‌دیدی در مواردی که به مجازات بزهکار منجر می‌گردد، نقش مهمی در پیشگیری از تکرار جرم از سوی بزهکار دارد و تکرارکنندگان جرم، ارتكاب جرم علیه آماج و هدف قبلی را نسبت به آماج جدید ترجیح می‌دهند؛ به گونه‌ای که برای نمونه خانه‌ای که یک بار مورد سرقت قرار گرفته، احتمال اینکه مجدداً مورد سرقت قرار گیرد، چهار برابر بیشتر از خانه‌ای است که هرگز مورد سرقت قرار نگرفته است (Graham and Pease, 1993, p.12). کاهش پدیده بزهکاری در «پرتو اهداف مجازات‌ها»، گام مهمی در جهت جلوگیری از تکرار بزه‌دیدی می‌باشد.

بر این اساس، در کنار تشویق بزه‌دیدگان و نیز سایر افراد جامعه درباره گزارش

موارد بزه‌دیدگی، با به‌کارگیری تدابیر کیفری مبنی بر قابل مجازات دانستن کسانی که با عدم اعلام بزه‌دیدگی، زمینه بی‌کیفرماندن بزه‌کار و در نتیجه ارتکاب جرم مجدد و نیز وقوع «بزه‌دیدگی مکرر» را فراهم می‌کنند، می‌توان از تکرار بزه‌دیدگی پیشگیری کرد. همچنین، اعلام و گزارش بزه‌دیدگی [از سوی بزه‌دیده یا دیگر افراد جامعه] زمینه شناسایی هرچه بهتر بزه‌دیدگان و افراد در معرض خطر را فراهم می‌سازد و از این راه، اعمال و به‌کارگیری مراقبت‌های ویژه از بزه‌دیدگان تسهیل می‌گردد.

گفتنی است بسیاری از بزه‌دیدگان به دلیل حفظ آبرو و حیثیت خود، از گزارش و اعلام بزه‌دیدگی خود به مراجع رسمی خودداری می‌کنند؛ برای نمونه، بررسی‌های انجام‌شده در امریکا نشان می‌دهد که هر زن احتمالاً دو بار مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد و هر ساله حدود یکصد و ده هزار مرد مرتکب تجاوز به عنف می‌شوند؛ ولی نظر بر این است که فقط یک سوم این تجاوزات گزارش داده می‌شود (Wakelin and Long, 2003, p.911). از این رو، می‌توان گفت حفظ آبرو و حیثیت بزه‌دیده، عامل مهمی در عدم گزارش بزه‌دیدگی در جرایم جنسی و در نتیجه بالا بودن «رقم سیاه» در این‌گونه جرایم است؛ بنابراین اهتمام دستگاه قضایی به منظور حفظ آبرو و حیثیت بزه‌دیدگان، در روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری [خصوصاً در جرایم جنسی]، در کنار جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدگی، ضروری به نظر می‌رسد. قانونگذار می‌تواند با اعمال مجازات نسبت به مقامات قضایی و غیرقضایی که با بزه‌دیدگان در ارتباط‌اند و به افشای اسرار بزه‌دیدگان مبادرت می‌ورزند، مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش‌نشده را حل کرده، از این راه تکرار بزه‌دیدگی را کاهش دهد.

در کنار تکلیف بزه‌دیدگان مبنی بر گزارش بزه‌دیدگی خود به مراجع ذی‌ربط، مکلف‌کردن سایر افراد و نیز ارگان‌ها و سازمان‌های مربوطه مبنی بر اعلام بزه‌دیدگی‌هایی که شاهد وقوع آن بوده‌اند، به منظور رسیدگی به مسئله بزه‌دیدگی در مراجع رسمی، امری مفید و مطلوب در جهت پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی مکرر است؛ بدین معنا که با ایجاد تکلیف قانونی برای افراد جامعه در خصوص گزارش بزه‌دیدگی‌هایی که شاهد رخداد آن بوده‌اند، می‌توان از بی‌کیفرماندن بزه‌کار جلوگیری کرد و این مسئله باعث کاهش تکرار بزه‌کاری و در نهایت، کاهش پدیده تکرار

بزه‌دیدی می‌گردد. علاوه بر این، با توجه به اینکه گام نخست در اعمال حمایت‌های غیرکیفری از بزه‌دیدگان، شناسایی آنها می‌باشد، اجباری نمودن گزارش بزه‌دیدی، گام مهمی در به‌کارگیری و اعمال حمایت‌های کیفری و غیرکیفری از بزه‌دیدگان است؛ بنابراین با جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدی از سوی بزه‌دیده یا سایر اشخاص مطلع از جریان بزه‌دیدی، می‌توان به شناسایی و در نهایت حمایت از بزه‌دیدگان دست یافت و از این راه از آسیب‌پذیری هرچه بیشتر بزه‌دیدگان جلوگیری کرد و آنان را از خطر «بزه‌دیدی مکرر» نجات داد.

حقوق کیفری ایران در این زمینه، جز مواردی اندک از اجباری دانستن گزارش بزه‌دیدی، عموماً با کاستی‌هایی روبه‌رو می‌باشد؛ به گونه‌ای که در کشور ما اعلام وقوع جرم (اعلام بزه‌دیدی) اصولاً می‌تواند به عنوان تکلیفی اجتماعی و شاید اخلاقی مطرح باشد و عدم رعایت آن به عنوان ترک فعل، جرم بوده و قابل مجازات نیست (خالقی، ۱۳۸۸، ص ۴۶)؛ بنابراین در زمینه پیشگیری از «بزه‌دیدی مکرر»، تدوین سیاستی جامع به منظور حل مشکل بزه‌دیدی‌های گزارش‌نشده و به طور کلی مبارزه با پدیده «رقم سیاه» احساس می‌شود. از جمله اقدامات مقنن درباره اجباری دانستن گزارش بزه‌دیدی، می‌توان به «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ اشاره کرد؛ به گونه‌ای که با توجه به اینکه در میان انواع سوء استفاده از کودکان و بدرفتاری با آنان، موارد گزارش‌نشده بی‌شماری وجود دارد که بر هیچ‌کس روشن نبوده، در تاریکی مطلق ناشی از ارقام سیاه پنهان شده است (زینالی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲). مقنن، افراد، سازمان‌ها و مراکزی را که با کودکان سروکار دارند، به گزارش کودک‌آزاری‌هایی که شاهد آنند، مکلف کرده، برای متخلفان از این حکم، مجازات در نظر گرفته است. قانونگذار در ماده ۶ این قانون بیان می‌دارد:

کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به گونه‌ای مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف‌اند به محض مشاهده کودک‌آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی، به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود. از این رو، مقنن به مسئله اعلام بزه‌دیدی کودکان (کودک‌آزاری)، اهتمام ویژه

داشته، از این راه زمینه مجازات هرچه بیشتر مرتکبان کودک‌آزاری فراهم گردیده است؛ بنابراین می‌توان گفت در سیاست جنایی ایران در جهت پیشگیری از آزار و اذیت مجدد کودکان، گامی مهم برداشته شده است.

در ادامه مباحث راجع به جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدگی، به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر، اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که گرچه جرم‌انگاری و مجازات عدم گزارش بزه‌دیدگی در کاهش بزه‌دیدگی مکرر مؤثر است؛ ولی صرف به‌کارگیری تدابیر کیفری در این باره کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه در کنار تدابیر کیفری، گسترش فرهنگ گزارش بزه‌دیدگی از سوی بزه‌دیدگان و نیز سایر افراد ضروری می‌باشد. گسترش فرهنگ گزارش بزه‌دیدگی مستلزم وجود رابطه سالم، دوستانه و مبتنی بر اعتماد میان پلیس و مردم است؛ به گونه‌ای که مردم با میل و رغبت اطلاعات خود را در اختیار مراجع انتظامی قرار دهند.

۳. جرم‌انگاری عدم کمک به بزه‌دیده

ارتکاب جرم معمولاً با ورود خسارات جانی، مالی و یا حیثیتی به بزه‌دیده همراه می‌باشد؛ بنابراین بزه‌دیده اغلب از پای درآمده، به عنوان یک آماج آسیب‌پذیر، بیش از پیش مستعد «بزه‌دیدگی مکرر» است. از این رو، کمک به چنین انسانی گذشته از مبنای ارزشی آن امری است که باید به منظور رفع آسیب‌پذیری و در نهایت پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد بزه‌دیدگان مورد توجه متولیان امر پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار گیرد؛ بنابراین به‌کارگیری تدابیر سنجیده و مطلوب درباره کمک به بزه‌دیدگان، امری ضروری در جهت برطرف کردن ضعف و آسیب‌پذیری آنها محسوب شده، از این راه می‌توان به پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی آنها امیدوار بود. عده‌ای درباره ضرورت کمک به بزه‌دیدگان بیان می‌دارند:

حمایت از قربانیان بزهکاری و کمک به آنها باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود و تعهدات هر جامعه نسبت به بزه‌دیدگان باید از نظر اعتقادی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه گستراند. از این رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیدگان از آن سیراب شود، اهمیتی به‌سزا دارد (عبدالفتاح، ۱۳۷۱، ص ۸۹).

در مکاتب الهی به ویژه در سیاست جنایی اسلام نیز موضوع حمایت از بزه‌دیدگان و کمک به آنها به عنوان یکی از ارزش‌های والای دینی و الهی پذیرفته شده است و دشمنی با فرد ظالم و متجاوز و یاری‌رساندن به اشخاص ضعیف و در معرض بزه‌دیدی و ظلم، دارای ارزش و ضروری تلقی شده است: «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) و «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، ص ۷۶). به همین دلیل، در اسلام علاوه بر وجوب نهی از منکر و برحذر داشتن مجرم از ارتکاب عمل مجرمانه، جلوگیری از ستم و تعدی و یاری‌دادن فرد در معرض بزه‌دیدی نیز مورد تأکید می‌باشد. در روایات بسیاری، حفاظت از جان، مال و ناموس دیگران مورد تأکید واقع شده، از وظایف یک انسان در جامعه اسلامی شمرده شده است. در سخنی از امام سجاد^{علیه السلام} آمده است: «حق همسایه‌ات این است که در غیاب وی، او را حفظ کنی و هنگام حضورش او را محترم شماری و هنگام ستم‌دیدن، او را یاری کنی» (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۶۲۳).

خداوند متعال در قرآن کریم این موضوع را این‌گونه مطرح فرموده است:
لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا: خداوند فریاد آشکار و بلند را دوست ندارد، مگر آنکه کسی مورد ظلم و ستم قرار گرفته باشد و خداوند شنوا و داناست (نساء: ۱۴۸).

در تفسیر این آیه آمده است مقصود از جهر بالسوء، صحبت کردن علیه ظالم و ذکر بدی‌ها و ستم‌های اوست. همچنین، پاسخ‌گویی به گفتار و رفتار نامناسب ستمکار نیز عنوان شده است (طبرسی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۸).

برخی از فقها در کتب خود به این موضوع پرداخته‌اند که در صورت در معرض خطر بودن فرد یا افرادی به دلیل وجود شرایط جرم‌زا، بر سایر افراد که از موضوع مطلع‌اند، واجب است علاوه بر بازداشتن فرد در شرف بزهکاری از ارتکاب، مجنی‌علیه بالقوه را نیز از موضوع آگاه سازند (خویی، ۱۴۱۳، ص ۳۳۵).

علاوه بر این، از جمله سازوکارهایی که افراد جامعه را به حمایت و کمک به بزه‌دیدگان ملزم می‌نماید، سازوکار مبتنی بر کیفر می‌باشد؛ به گونه‌ای که قانونگذار با توجه به وضعیت آسیب‌پذیری بزه‌دیده و احساس نیازمندی او، به جرم‌انگاری عدم

کمک به بزه‌دیدگان دست زده، وظیفه شرعی و اخلاقی در خصوص کمک به افراد نیازمند را به یک وظیفه قانونی تبدیل می‌کند و از این راه زمینه دخالت جامعه را در امر کمک‌رسانی به بزه‌دیده و حمایت از آن فراهم می‌سازد تا بتوان از بزه‌دیدگی مجدد بزه‌دیدگان پیشگیری کرد.

گفتنی است کمک‌رسانی به بزه‌دیده فقط در جهت برطرف کردن آسیب جسمی بزه‌دیدگان نیست، بلکه با توجه به اینکه یکی از پیامدهای روانی عمده بزه‌دیدگی در بسیاری از موارد این است که بزه‌دیده دیگر احساس امنیت نمی‌کند (شایان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹)، کمک‌رسانی به بزه‌دیده در تأمین امنیت روانی و مبارزه با آسیب روانی او مؤثر می‌باشد و با توجه به اینکه عدم احساس امنیت از سوی بزه‌دیدگان، یکی از زمینه‌های «بزه‌دیدگی مکرر» است، کمک به بزه‌دیده و تأمین امنیت روانی او می‌تواند در پیشگیری از «بزه‌دیدگی مکرر» مؤثر واقع گردد.

از جمله کسانی که در امر کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان نقش مهمی دارند، پلیس است. هرچه عزیمت پلیس از محل استقرار خود به صحنه عملیات کوتاه‌تر باشد، احتمال زیادتری وجود خواهد داشت که پلیس بتواند بزهکاران را پیش از فرارشان دستگیر کند. درباره تأثیر پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی، عده‌ای بیان داشته‌اند:

پاسخ سریع پلیس، اثرات پیشگیرانه از جرم را ایجاد می‌کند. اثر اول، کاهش صدمه ناشی از جرایمی است که به وسیله سرعت مداخله پلیس، ارتکاب آن ناتمام می‌ماند؛ اثر پیشگیرانه دیگر، ناتوان کردن بزهکاران از طریق حبس بزهکارانی است که حضور سریع پلیس، امکان جمع‌آوری مدارک و دستگیری آنان را فراهم ساخته است (لارنس، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷).

از این رو، حضور به موقع و سریع پلیس در صحنه جرم، نقش مهمی در دستگیری بزهکار داشته، از آنجا که احتمال حمله مجدد بزهکار به آماج قبلی وجود دارد، دستگیری بزهکار می‌تواند به کاهش «بزه‌دیدگی مکرر» منجر گردد. از سوی دیگر، حضور پلیس در محل کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان می‌تواند از اقدامات بزه‌دیده در انتقام‌گیری از بزهکار [که این خود می‌تواند زمینه بزه‌دیدگی مجدد بزه‌دیده باشد]، جلوگیری کند.

در قلمرو سیاست جنایی ایران، از جمله مواردی که در کمک فوری به بزه‌دیده از سوی سایر اشخاص مورد توجه قرار گرفته، می‌توان به قانون «مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی» مصوب ۱۳۵۴/۳/۲۵ اشاره کرد. در قانون مذکور، قانونگذار با قابل مجازات دانستن عمل کسانی که با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال به ضرورت کمک، از کمک به اشخاص در معرض خطر جانی خودداری می‌کنند، گام مهمی در جهت کمک به بزه‌دیدگان برداشته است.^{*} این اقدام می‌تواند در ترغیب افراد به یاری‌رساندن به بزه‌دیدگان و جلوگیری از بزه‌دیدی مجدد مؤثر باشد.

علاوه بر این، قانون مذکور در ماده ۲ درباره کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف‌اند به اشخاص آسیب‌دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، کمک کنند، از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری می‌کنند، سیاست تشدید مجازات در نظر گرفته است؛^{**} بنابراین قانونگذار ایران به مسئله ضرورت کمک به بزه‌دیده توجه داشته است و با این تکلیف قانونی در مورد کمک به بزه‌دیدگان، می‌توان از آسیب‌پذیری هرچه بیشتر بزه‌دیدگان جلوگیری کرد.

در کنار کمک به بزه‌دیده، از سوی سایر اشخاصی که در جریان امر بزه‌دیدی قرار می‌گیرند، به کارگیری سیاست تخفیف یا تشدید مجازات بزه‌کار، با توجه به کمک یا عدم کمک به بزه‌دیده، امر مهمی در جهت تشویق کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان می‌باشد. این امر نیز مورد توجه قانونگذار کیفی ایران قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که در تصادفات رانندگی اگر راننده با وجود نیاز مصدوم به کمک‌رسانی

* ماده ۱ قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی: «هرکس شخص یا اشخاص را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک‌طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند، بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری کند، به حبس جنج‌های تا یک سال یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد...».

** ماده ۲ قانون مذکور در این باره بیان می‌دارد: «هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف‌اند به اشخاص آسیب‌دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، کمک نمایند، از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند، به حبس جنج‌های از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.»

فوری، از کمک‌رساندن به او خودداری کند، سیاست تشدید مجازات* و اگر راننده موجبات کمک‌رسانی به بزه‌دیده را فراهم کند، سیاست تخفیف مجازات در نظر گرفته شده است.**

۴. حمایت کیفری از بزه‌دیده

حمایت از بزه‌دیده به عنوان فردی آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، نقش مهمی در برطرف کردن آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان و در نهایت پیشگیری و کاهش بزه‌دیدگی دارد. بر این اساس، در فرایند پیشگیری از بزه‌دیدگی، توجه به بزه‌دیده و حقوق او و نیز اهتمام به مسئله حمایت از بزه‌دیدگان در ابعاد گوناگون، امری ضروری به نظر می‌رسد. در میان ابعاد گوناگون حمایت از بزه‌دیدگان، حمایت کیفری در قالب حمایت کیفری ساده و نیز حمایت کیفری افتراقی (جرم‌انگاری افتراقی و تشدید مجازات افتراقی) از جایگاه مهمی برخوردار است، تا آنجا که عده‌ای بیان داشته‌اند:

حمایت کیفری به گواهی تاریخ حقوق، سنتی‌ترین گونه حمایتی است که چون در روزگار ما از رهگذر جرم‌انگاری در پوشش قانون شناخته می‌شود، در چهارچوب سیاست جنایی تقنینی می‌گنجد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۷۷).

با توجه به تأثیر حمایت کیفری در پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر، حمایت کیفری در قالب حمایت کیفری ساده و حمایت کیفری افتراقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. حمایت کیفری ساده

حمایت کیفری ساده از بزه‌دیده در جهت پیشگیری از «بزه‌دیدگی مکرر»، در قالب

* ماده ۷۱۹ ق.ا.م.ا: «هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته باشد و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأموران انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند، حسب مورد به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در موارد (۷۱۴)، (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید».

** تبصره ۲ ماده پیش‌گفته بیان می‌دارد: «در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأموران مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات را درباره او رعایت خواهد نمود».

جرم‌انگاری ساده قرار می‌گیرد. از آنجا که هر جرمی اصولاً بزه‌دیده‌ای دارد، جرم‌انگاری هر رفتار منع شده را که نیازمند پیش‌بینی یک ضمانت اجرای مشخص و معمولاً «کیفری» است، «حمایت کیفری ساده» از بزه‌دیده می‌توان نامید. به عبارت دیگر، از آنجا که اغلب روی دیگر پدیده بزهکاری، بزه‌دیدی است، صرف جرم‌انگاری و مجازات بزهکار به نوعی حمایت از بزه‌دیده در برابر تکرار بزه‌دیدی محسوب می‌گردد؛ همان‌گونه که عده‌ای بیان می‌دارند:

اعمال خشونت‌بار مجرمانه، شکلی سلطه بر بزه‌دیده را ایجاد می‌کنند. کارکرد کیفر عبارت است از تقابل این سلطه و بازایجاد برابری میان بزه‌دیده و بزهکار (فلچر، ۱۳۸۷، ص ۳۱۹).

اصولاً تکرار جرم علیه بزه‌دیده (تکرار بزه‌دیدی) می‌تواند به عنوان تصمیمی منطقی از جانب بزهکار باشد؛ با این توضیح که جرمی که با موفقیت انجام شده است، می‌تواند به ارتکاب بزهکاری بیشتری منجر شود. چه آنکه بزهکاران نیز مانند دیگر انسان‌ها از تکرار و انجام دادن کارها مطالب زیادی یاد می‌گیرند؛ بنابراین با توجه به سهولت ارتکاب جرایم متعدد علیه یک بزه‌دیده، نسبت به ارتکاب جرایم متعدد علیه افراد گوناگون و نیز با امعان نظر به اهداف مجازات‌ها مبنی بر جلوگیری از تکرار جرم (پیشگیری خاص)، جرم‌انگاری و مجازات مرتکبان جرایم، نقش مهمی در جلوگیری از بزهکاری مکرر داشته، این امر نیز به نوبه خود باعث کاهش بزه‌دیدی مجدد می‌گردد.

علاوه بر موارد پیش‌گفته، اشاره به این نکته نیز مفید به نظر می‌رسد که آثار بزه‌دیدی ممکن است تا مدت‌ها پس از رخداد بزه‌دیدی وجود داشته باشد؛ برای نمونه، عاملی که یک خانه را در برابر سرقت آسیب‌پذیر می‌سازد، احتمال اینکه این عامل به طور سریع برطرف شده باشد، کم است (Farrell and Ken Pease, 1993, p.13)؛ بنابراین علاوه بر بزهکار، سایر بزهکاران بالقوه نیز با توجه به از پای درآمدن بزه‌دیده، کانون توجه خود را همان آماج و بزه‌دیده قبلی قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که این امر نیز می‌تواند به تکرار بزه‌دیدی منجر گردد. از این رو، مجازات بزهکار در پرتو اهداف مجازات‌ها و در نهایت رسیدن به مسئله پیشگیری عام (پیشگیری از

ارتکاب جرم از سوی دیگر افراد جامعه) نقش مهمی در کاهش بزهکاری سایر بزه‌دیدگان بالقوه و در نهایت پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر دارد.

۴-۲. حمایت کیفری افتراقی

علاوه بر حمایت کیفری ساده، حمایت کیفری افتراقی از بزه‌دیدگان نیز قابل ذکر است؛ بنابراین اگر جرم‌انگاری یک عمل همراه با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری مناسب، ساده‌ترین گونه حمایت کیفری از بزه‌دیدگان باشد، مصلحت‌های سیاست جنایی گاهی ایجاب می‌کند با جرم‌انگاری‌های افتراقی و یا تشدید ضمانت اجراها به این حمایت کیفری جامعه عمل پوشانده شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۷۹). از این رو، اگر آسیب‌پذیری و ضعف بزه‌دیده، کمک به او را ایجاب می‌کند و این امر در قالب جرم‌انگاری عدم کمک به بزه‌دیده آشکار می‌شود، عمل کسی که نه‌تنها به بزه‌دیده کمک نمی‌کند، بلکه او را مجدداً آماج جرم قرار می‌دهد، از مذمت بیشتری برخوردار است و چنین مرتکبی در مقایسه با سایر بزهکاران، مستحق تشدید مجازات می‌باشد؛ به گونه‌ای که این امر می‌تواند معادله جرم را با توجه به آسیب‌پذیری بزه‌دیده بر هم بزند و از بزه‌دیدگی مکرر او جلوگیری کند.

حمایت کیفری افتراقی یا ویژه از بزه‌دیده، در دو سازوکار «جرم‌انگاری افتراقی» و یا «تشدید کیفر افتراقی» قابل اعمال است.

جرم‌انگاری ویژه یا افتراقی، به منظور پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی مکرر، اشاره به حالتی دارد که عملی جرم نبوده؛ ولی مقنن این عمل را با توجه به علل و عوامل تکرار بزه‌دیدگی، جرم‌انگاری کند. به عبارت دیگر، قانونگذار با توجه به وجود رابطه میان بزهکار و بزه‌دیده [به عنوان یکی از عوامل بزه‌دیدگی مکرر] دست به جرم‌انگاری زده است و عملی را که در شرایط عادی جرم نیست، اگر این عمل از سوی بزهکارانی که با بزه‌دیدگان دارای روابط خاص‌اند، ارتکاب یابد، مجازات می‌کند و بدین ترتیب از افرادی که نسبت به دیگران بیشتر در معرض بزه‌دیدگی مکررند، به صورت ویژه و افتراقی حمایت کیفری می‌کند.

دیگر سازوکارهای حمایت کیفری از بزه‌دیده، تشدید کیفر افتراقی است. بر این

اساس، آسیب‌پذیری اشخاص در برابر خطر «بزه‌دیدی مکرر»، آنان را بیش از دیگران شایسته توجه و حمایت ویژه می‌سازد؛ به گونه‌ای که مجرم به عنوان یک انسان مقتصد، محاسبه‌گر و معقول، با در نظر گرفتن کیفر مشدد از تکرار جرم علیه بزه‌دیده آسیب‌پذیر منصرف می‌گردد و از «بزه‌دیدی مکرر» جلوگیری می‌گردد.

سیاست جنایی ایران در مواردی اندک به این مسئله توجه داشته، با در نظر گرفتن سیاست کیفری افتراقی، وجود رابطه میان بزه‌کار و بزه‌دیده را دلیلی برای تشدید مجازات بزه‌کار دانسته است؛ برای نمونه، در ماده ۵۹۶ ق.م.ا. آمده است:

هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوا و هوس او یا حوایج شخصی اشخاص غیررشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصا حساب و یا هرگونه نوشته‌هایی که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود، به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارت مالی، از سه تا هفت سال خواهد بود.

بر این اساس، قانونگذار برای کسانی که از ضعف نفس اشخاص غیررشید سوء استفاده می‌کنند و از این راه از آنها اسناد تجاری یا غیرتجاری که موجب التزام آنها یا برائت ذمه گیرنده سند می‌شود، دریافت می‌کنند، مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی در نظر گرفته است؛ ولی اگر مرتکب ولایت یا وصایت و یا قیمومت بر آن شخص بزه‌دیده داشته باشد، مجازات مرتکب علاوه بر جبران خسارت مالی از سه تا هفت سال خواهد بود. از این رو، اگرچه ولی یا وصی و یا قیم غیررشید نسبت به سایر افراد در ارتکاب جرم علیه غیررشید، از مشکلات کمتری برخوردار بوده و این امر به نوبه خود زمینه تکرار بزه‌دیدی مالی شخص غیررشید را فراهم می‌سازد؛ ولی با توجه به پیش‌بینی چنین کیفیت مشدده‌ای برای چنین مرتکبانی، معادله جرم به نفع بزه‌دیدگان بر هم می‌خورد و از این راه، از بزه‌دیدی مکرر اشخاص غیررشید پیشگیری می‌شود. همچنین، ماده ۶۵۶ ق.م.ا. در مقام بیان سرقت‌های مشدد، سرقت مستخدم از مخدوم به عنوان یکی از سرقت‌های

مشدد اشاره شده است؛ بنابراین در اینجا نیز اگرچه وجود رابطه کاری میان مخدوم و مستخدم زمینه هرچه بیشتر تکرار سرقت و بزه‌دیدی مخدوم را فراهم می‌نماید؛ ولی پیش‌بینی سیاست تشدید این‌گونه سرقت [در مقایسه با سرقت‌هایی که میان سارق و مال‌باخته چنین رابطه‌ای نیست]، گام مهمی در کاهش سرقت مستخدم از مخدوم و در نتیجه کاهش تکرار بزه‌دیدی است.

در پایان اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که گرچه قانونگذار ایران در مواردی به صورت پراکنده اهتمام خود را به مسئله حمایت کیفری از کسانی که در معرض خطر «بزه‌دیدی مکرر» هستند، نشان داده است؛ ولی در مواردی سیاست معکوسی به کار گرفته است؛ به گونه‌ای که نه‌تنها از افراد آسیب‌پذیر در برابر بزه‌دیدی مکرر بیشتر از دیگران حمایت نکرده، بلکه از حمایت کیفری ساده نیز دست کشیده است. از جمله این موارد می‌توان به «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱ اشاره کرد. به طوری که مجلس شورای اسلامی در جهت تأمین نظر شورای نگهبان مبنی بر استثناکردن اولیا و مربیان از شمول موارد کودک‌آزاری، با تصویب ماده ۷ این قانون اقدامات اولیا و مربیان را از موارد کودک‌آزاری مستثنا نمود. ماده ۷ بیان می‌دارد: «اقدامات تربیتی که در چهارچوب مواد ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی قرار می‌گیرد، از شمول این قانون مستثناست». بدین ترتیب، با تصویب ماده ۷ قانون مذکور، قلمرو اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بسیار محدود شد و طراحان به هدف اصلی خود که همان مبارزه با «کودک‌آزاری درون‌خانوادگی» بود، نرسیدند (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۸۵) و با توجه به اینکه کودک‌آزاری پدیده‌ای غالباً خانگی است و اغلب مرتکبان این رفتار والدین کودک‌اند، به جای حمایت کیفری بیشتر از کودکان در برابر کودک‌آزاری والدین، قانونگذار با مستثناکردن والدین از شمول قانون مذکور، سیاست معکوسی در پیش گرفته است. از این رو، در جهت پیشگیری از پدیده بزه‌دیدی کودکان و آزار و اذیت مجدد آنها از سوی والدین، قانونگذار باید از سیاست معکوس خود دست کشیده و با در نظر گرفتن تشدید مجازات برای والدینی که دست به کودک‌آزاری می‌زنند، از آزار و اذیت مکرر کودکان پیشگیری نماید.

۵. پیش‌بینی حق دفاع مشروع و سلب مسئولیت کیفری و مدنی از بزهدیده در مقام دفاع

امروز قانونگذار اصلی‌ترین حمایت خود از بزهدیده را پس از وقوع بزه آن هم به صورت اعمال مجازات بر مجرم و الزام او به جبران خسارت انجام به عمل آورده، پیش از وقوع جرم، کمتر می‌توان حمایت‌های مشخصی از بزهدیده مشاهده کرد. این امر به دلیل مشخص نبودن زمان و مکان ارتکاب جرم است. زمانی که فرد در معرض بزهدیدگی واقع می‌شود و دست جامعه نیز در حمایت از او کوتاه است، نمی‌توان او را از حق طبیعی دفاع محروم کرد و انتظار داشت بزه را تحمل کند و سپس وی یا اولیای او پس از مرگش در مراجع قانونی طرح دعوا کنند.

پیش‌بینی حق دفاع مشروع و سلب مسئولیت کیفری و مدنی از مدافع در حقوق جزا به عنوان یکی از عوامل موجهه جرم در جهت حمایت از بزهدیدگان احتمالی، نوعی حمایت کیفری در جهت پیشگیری از خشونت است. در سیاست جنایی اسلام، دفاع مشروع نه تنها حق مسلم فرد مورد تجاوز شناخته شده و مورد تقنین واقع شده است، بلکه سایر افراد نیز حق دفاع مشروع از بزهدیده را دارند. امام صادق علیه السلام درباره سارق مسلح می‌فرماید: «زمانی که بر سارق مسلح توانایی داشتی، او را از میان ببر و من در خون او با تو شریک هستم» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۲۲۹).

جمله اخیر کنایه از این است که هیچ‌گونه مسئولیت کیفری و مدنی وجود ندارد و شخص مورد تهاجم مجوز قانونی دارد حتی با از میان‌بردن سارق مسلح، خود را از تهاجم او مصون دارد. در روایت دیگری درباره مجنون پرسیده می‌شود که اگر با سلاح به کسی حمله کرد و به وسیله شخص مورد تجاوز کشته شد، می‌فرمایند: «قاتل از قصاص و دیه معاف است؛ ولی خون او هدر نیست، چون مسئولیت کیفری ندارد و دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (همان).

برخی منابع فقهی و روایی ابوابی را به موضوع دفاع از جان، مال و ناموس خود و دیگران اختصاص داده‌اند؛ مثلاً کتاب *وسائل الشیعه*، مجموعه ابوابی را ذیل عنوان «ابواب‌الدفاع» مطرح نموده، به بررسی روایات وارده در این باب پرداخته است.

باب اول، باب جواز دفاع در مقابل سارق مسلح و مبارزه با او ابتدائاً [پیش از حمله]

و کشتن او زمانی که دفاع متوقف بر قتل باشد. این باب درباره مجاز بودن دفاع در مقابل سارق مسلح و کشتن او روایات متعددی را مورد بحث قرار داده است.

باب دوم، باب جواز قتال قطاع‌الطریق که درباره جواز جنگیدن و کشتن راهزنان بحث می‌کند.

باب سوم، باب جواز دفاع از نفس و مال که درباره مراحل دفاع از نفس و مال و جواز آنها بحث می‌کند.

همچنین، ابواب دیگری که فرد در معرض بزه را از جهت قانونی و شرعی مجاز به دفاع از خود و دفع تهاجم و بزه می‌داند (همان، ج ۲۸، ص ۳۸۲).

فقها درباره جواز دفاع در مقابل حمله و انجام اعمالی که در شرایطی غیر از دفاع جرم محسوب می‌شود، اتفاق نظر دارند.

محقق حلی در کتاب شرایع می‌گوید:

هیچ خلاف و اشکالی نیست در اینکه انسان می‌تواند محارب یا دزد یا غیر آنها را از جان خود و ناموس خود و مال خود تا آنجا که قدرت دارد، دفع کند. اجماع کافه علما و خصوص روایات بر این دفاع، دلالت دارد (حلی، ۱۴۰۳، ص ۵).

شهید ثانی در شرح لمعه آورده است:

باید در دفاع از جان و ناموس و مال، به آسان‌ترین روش‌ها تکیه کرد و به تدریج روش‌های سخت و سخت‌تر را در پیش گرفت؛ مثلاً نخست باید بر سر حمله‌کننده فریاد کشید، سپس به تهدید و مخاصمه پرداخت و آنگاه به زدن، سپس مجروح کردن دست زد و اگر باز جلوی هجوم او گرفته نشود، باید به گونه‌ای قصد جنایت او را بی‌اثر کرد و در آخرین مرحله می‌توان به کشتن او اقدام کرد (جبعی عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۷۵).

درباره ادله اثبات دعوا نیز در سیاست کیفری اسلام تا آنجا که زمینه سوء استفاده را باز نکند، تمهیداتی در نظر گرفته شده است. اگر کسی دیگری را در منزل خود بکشد و ادعا کند مقتول قصد جان یا مال او را داشته، در صورتی که ورثه مقتول منکر این امر باشند؛ ولی او بی‌ینه اقامه کند که واردشونده (مقتول) دارای شمشیر کشیده بوده و به سمت صاحب منزل آمده، همین امر قرینه معتبری است برای ادعای قاتل و دیه قصاص را ساقط می‌کند. در واقع بار اثبات دفاع مشروع از

دوش او برداشته می‌شود و اولیای دم یا مدعی‌العموم باید فراهم‌نبودن شرایط دفاع مشروع را اثبات نمایند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۹۱).

۶. حمایت از بزه‌دیده در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

حمایت کیفری از بزه‌دیدگان مبتنی بر این امر است که مجرم پیش‌تر شناسایی شده و از فرار وی جلوگیری شود. دلایل ارتکاب جرم و ثبت و ضبط آن باید به گونه‌ای جمع‌آوری شود که در مرحله دادرسی، بزه‌دیده بتواند از حقوق خویش دفاع کند و بزه‌دیدگی خود ناشی از عمل مجرمانه را به اثبات برساند و خسارات وارده به خود را استیفا نماید. در جرایمی مانند سرقت، قتل و مانند آن، اگر مجرم شناسایی نشود، نه تنها مشکلات روحی و روانی بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم افزایش می‌یابد و احساس عدم امنیت آنان و به تبع آن در جامعه فزونی می‌یابد، بلکه جبران خسارت و صدمات ناشی از جرم نیز دشوار می‌گردد.

بسیاری از قربانیان جرایم به دلیل عدم آشنایی با حقوق اولیه خود و عدم طرح موضوع در مراجع ذی‌صلاح، موجبات بزه‌دیدگی مجدد خود را فراهم ساخته، حقوق اولیه‌شان نیز پامال می‌گردد. با توجه به اینکه عامه مردم با مسائل حقوقی آشنا نیستند و در پیچ و خم امور رسیدگی قضایی دچار سردرگمی و ابهام می‌شوند؛ بنابراین باید اولاً، بزه‌دیدگان را با حقوق قانونی خود آشنا نمود؛ ثانیاً، امکان استفاده از معاضدت قضایی و مشاور حقوقی را برای آنان فراهم ساخت.

چگونگی بازجویی‌های امام علی^{علیه السلام} در دعای گوناگونی مانند قتل، به روشنی بر مشروعیت تفحص لازم برای کشف جرایم حقوق‌الناس دلالت کافی دارد. حضرت علی^{علیه السلام} در برخی از صحنه‌های بازپرسی با به‌کارگیری تدابیری مانند تفریق شهود و ایجاد فضایی که متهم را در اظهارات کذب مردد می‌سازد، درصدد کشف جرم و تأمین حقوق بزه‌دیدگان است. با وجود این، در مواردی که امکان اجرای بزه‌پوشی با حفظ حقوق بزه‌دیدگان میسر است، نسبت به هر دو امر مطلوب بی‌آنکه تراحمی حاصل شود، اقدام می‌گردد (رحمانی همدانی، ۱۴۱۹، ص ۱۳۲).

اگر مجرم در جریان ارتکاب جرم محاربه، مال دیگری را غصب کند یا مرتکب

آدم‌ربایی و مانند آن شود، بر هر فردی که بر آن آگاهی می‌یابد، لازم است بر آن گواهی دهد و در صورت مطالبه، مکلف به آن خواهد بود. از این رو، بنا بر آنچه برخی تصریح کرده‌اند، ترغیب مرتکب بر ترک اقرار خویش در مواردی که معارض با حقوق بزه‌دیده باشد، ممنوع شده است.

نتیجه

اینکه برخی از آماج ممکن است به طور مکرر بزه‌دیدی را تجربه کنند، امری اتفاقی نیست، بلکه عوامل گوناگونی در رخداد پدیده بزه‌دیدی مکرر مؤثرند. در جهت به‌کارگیری روشی مطلوب و سنجیده به منظور پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر، عوامل این پدیده باید مورد شناسایی قرار گیرد. از جمله عواملی که زمینه تکرار بزه‌دیدی را فراهم می‌سازد، به عدم گزارش و اعلام بزه‌دیدی از سوی بزه‌دیده و در نهایت، بی‌کیفرماندن بزه‌کار، وجود رابطه و آشنایی میان بزه‌کار و بزه‌دیده که به سهولت تکرار جرم منجر می‌گردد، سهولت تکرار جرم علیه بزه‌دیده، عوامل مربوط به سیستم قضایی و نیز فقدان حمایت مطلوب و مؤثر از بزه‌دیدگان که به آسیب‌پذیری هرچه بیشتر آنها منجر می‌گردد، می‌توان اشاره کرد. یکی از راه‌های پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر که به نوعی مقابله با زمینه‌ها و علل تکرار بزه‌دیدی می‌باشد، روش مبتنی بر کیفر است؛ با این توضیح که تدابیری همچون جرم‌انگاری عدم گزارش بزه‌دیدی، جرم‌انگاری عدم کمک به بزه‌دیده و نیز حمایت کیفری از بزه‌دیدگان که زمینه کاهش تکرار بزه‌دیدی را فراهم می‌نماید، باید از سوی متولیان امر مورد توجه قرار گیرد. استفاده از این تدابیر، زمینه مجازات بزه‌کار را فراهم می‌کند و از این راه، بیم تجری بزه‌کار و در نتیجه آمار بزه‌دیدی مکرر کاهش می‌یابد. از آنجا که یکی از عوامل بزه‌دیدی، عدم گزارش وضعیت‌های خطرناک و نیز عدم گزارش بزه‌دیدی است، با قابل مجازات‌دانستن کسانی که در جریان یک موقعیت خطرآفرین و بزه‌دیدی قرار می‌گیرند، ولی از گزارش آن خودداری می‌کنند، می‌توان با مشکل بزه‌دیدی‌های گزارش‌نشده مبارزه کرد و از این راه در جهت کاهش موارد بزه‌دیدی گام برداشت و ضریب بزه‌دیدی اولیه و مکرر را کاهش داد.

کمک به افراد آسیب‌پذیر و در معرض بزه‌دیدی و نیز بزه‌دیدگان، گام مهمی در رفع آسیب‌پذیری و در نهایت مقاوم‌سازی این افراد محسوب می‌شود؛ بنابراین با جرم‌انگاری عدم کمک به افراد در معرض خطر (بزه‌دیدگان بالقوه) و بزه‌دیدگان، از سوی کسانی که توانایی کمک به این افراد را دارند، می‌توان در مقاوم‌سازی این افراد آسیب‌پذیر و در نهایت پیشگیری از بزه‌دیدی آنها گام برداشت و این مسئله‌ای است که به صورت منسجم و هماهنگ باید مورد توجه متولیان پیشگیری از بزه‌دیدی از جمله قانونگذار قرار گیرد.

حمایت کیفری از بزه‌دیدگان در غالب حمایت کیفری ساده و نیز حمایت کیفری افتراقی، گام مهمی در برهم‌زدن معادله جرم به نفع بزه‌دیدگان است و از این راه می‌توان تا اندازه‌ای نسبت به مسئله بزه‌دیدی مکرر فایق آمد. سیاست جنایی ایران گرچه در موارد اندکی به مسئله پیشگیری از بزه‌دیدی مکرر توجه داشته است؛ ولی این تدابیر کافی نبوده، بلکه احساس می‌شود سیاستی معقول و سنجیده به منظور کاهش پدیده تکرار بزه‌دیدی باید به کار گرفته شود. در باب ادله اثبات دعوی، مقررات کیفری ایران از بزه‌دیده حمایت کافی نکرده، در حالی که این امر در سیاست کیفری اسلام پیش‌بینی شده است و پیش‌بینی آن در قوانین کیفری ایران نیز ضرورت دارد.

منابع

- * قرآن مجید.
- ** نهج البلاغه.
۱. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، چ ۷، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۳.
 ۲. بولک، برنار؛ کیفرشناسی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چ ۵، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
 ۳. توجهی، عبدالعلی و علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ «بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده»؛ مجله مدرس؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ش ۴، ۱۳۷۸.
 ۴. توجهی، عبدالعلی؛ «جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران»؛ رساله دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
 ۵. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین؛ الروضة البهیة؛ ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۶. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ بیروت: انتشارات مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
 ۷. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن؛ شرائع الاسلام؛ چ ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
 ۸. خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری؛ چ ۱، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸.
 ۹. خویی، سید ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهة؛ قم: مکتبه‌الداوری، ۱۴۱۳ق.
 ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر؛ فرهنگ لغت؛ ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
 ۱۱. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ چ ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴.

۱۲. رحمانی همدانی، احمد؛ امام علی علیه السلام؛ ترجمه حسین استاد ولی؛ چ ۲، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۴۱۹ق.
۱۳. زینالی، حمزه؛ «نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی؛ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ش ۷، بهار ۱۳۸۲.
۱۴. —؛ ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر؛ چ ۱، تهران: انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.
۱۵. صدوق، ابوجعفر بن علی بن حسین بن بابویه قمی؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۶. طبرسی، امین‌الدین ابوعلی؛ تفسیر جوامع الجامع؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۷. عبدالفتاح، عزت؛ «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»؛ مجله قضایی و حقوقی دادگستری؛ ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ تهران: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ش ۳، ۱۳۷۱.
۱۸. فارل، گراهام و دیگران؛ «چرا بزه‌دیدی ثانویه اتفاق می‌افتد»؛ مجله فقه و حقوق؛ ترجمه نوروژ کارگری؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۶۱-۱۶۵.
۱۹. فیلچر، جرج پی؛ «جایگاه بزه‌دیده در نظریه سزادهی»؛ مجله حقوقی دادگستری؛ ترجمه مهرداد رایجیان اصلی؛ ش ۶۲ و ۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۰۳ تا ۳۲۰.
۲۰. کلارک، رونالد وی؛ جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم)؛ ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده؛ چ ۱، تهران: انتشارات زرد، ۱۳۸۸.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷.
۲۲. میرخلیلی، سید محمود؛ پیشگیری وضعی از بزهکاری؛ چ ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

۲۳. هربرت، لارنس و دیگران؛ شرح و ارزیابی برخی از راهبردهای اصلی پیشگیری پلیس؛ ترجمه غلامرضا محمدنسل؛ چ ۱، تهران: دفتر تحقیقات پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.

24. Graham, Farrell and Ken pease, **can (once bitten twice bitten) repeat, victimization and its implications for precreation**, Gloria Laycock, London, 1993.
25. Graham, Farrell and pease, **can preventing repeat residential burglary victimization**, spring 2007.
26. Wakelin, Anna and Karen M. Long, **effect of victim gender and sexuality on attribution of blame to rape victims**, sex role, vol. 9110, November, 2003.
27. Ybrra ,Lynnm. R. and Lohr , Sharon L, **Estimate of repeated victimization, using the national crime victimization**, Journal of quantitative criminology, Vol 18, march 2002.